

معرفی شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام امام رضا علیه السلام

ساجده فاطمه^۱، نفیسه ایران‌پور^۲

چکیده

اعتقاد به مهدویت باور مشترک ادیان الهی است. تمام معصومین علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا امام یازدهم علیه السلام به تبیین مهدویت پرداخته و با آشنا کردن شیعیان با آموزه‌های مهدوی آنها را برای دوران غیبت آماده کرده‌اند. در نوشتار حاضر، بحث مهدویت در کلام امام رضا علیه السلام با روش کتابخانه‌ای و توصیفی و با استفاده از منابع روایی شیعه واکاوی شده است. اندیشه‌های مهدویت در دوره امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام تبیین شده بود، اما در زمان امام رضا علیه السلام جریان مهدویت توسط واقفیه و فرقه‌های ضاله دچار انحراف شد. از این رو، حضرت تلاش کرد تا مهدویت و معرفت مهدوی را در جریان و خط صحیح بازگرداند و صیانت کند. در مقاله حاضر، روایات امام رضا علیه السلام پیرامون شخصیت و جایگاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بررسی می‌شود. موضوعات مطرح در این روایات مشتمل بر معرفی شخصیت حضرت حجت، وقایع آخرالزمان و فرج و ظهور است که راویان آن، افراد موثق و عالمان شیعی هستند تا رابطی برای انتقال مفاهیم و تفکر مهدویت به جامعه شیعی باشند.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، مهدویت، شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

روایات، ظهور، فرج.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف اسلامی به زبان انگلیسی، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.



تمام ادیان توحیدی به وجود نجات بخشی معتقد هستند که ظهور خواهد کرد و همه نیروهای شر را منکوب و نابود می کند، حکومت عدل را برپا کرده و مساوات را در سرتاسر زمین برقرار می کند، حکومت دشمنان خدا را خاتمه داده و سلطنت الهی را بر تمام زمین حاکم می کند. این موضوع به شکل جدی مورد توجه قرار گرفته است. (عطاردی قوچانی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۸) این منجی و نجات بخش در دین اسلام، شخصیتی الهی به نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که رهبری با هویت شناخته شده و از پیش تعیین شده است تا قیام کرده و تحول بزرگ اجتماعی را پدیدار و جامعه بشری را اصلاح کند و همه امور را در مسیر هدایت الهی بازگرداند. مژده به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از همان سال های آغازین ظهور اسلام آغاز شد و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هر فرصت و مناسبتی که پیش می آمد مردم را به ظهور عدالت گستر موعود در آخرالزمان بشارت می داد و آنها را از نسل و تبار، تولد و غیبت، ویژگی های ظاهری، نشانه های ظهور، شاخصه های قیام رهایی بخش و مؤلفه های حکومت جهانی آن حضرت آگاه می کرد. این سیر پس از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در میان اهل بیت علیهم السلام استمرار یافت و هریک از ایشان نیز در عصر خود تلاش کردند که باور مهدوی و فرهنگ انتظار را در میان امت اسلامی زنده و پویا نگه دارند. حرکت روبه گسترش معارف مهدوی در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید. آن دو امام با تبیین، تشریح، پالایش و پیرایش آموزه های اسلامی در زمینه های مختلف اعتقادی، اخلاقی و فقهی و تحکیم پایه های ایمانی پیروان خود تلاش فراوانی برای توسعه و تعمیق اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در میان شیعیان کردند و با به جا گذاشتن صدها روایت در این زمینه این اندیشه و فرهنگ را تازگی و طراوت بیشتری بخشیدند. پس از این دو امام و پیش از امام حسن عسگری علیه السلام امامی که بیش از همه بر موارث شیعی در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار افزود و گنجینه های گران بهایی برای امت اسلام به یادگار گذاشت امام رضا علیه السلام است. براساس پژوهش ها روایات فراوانی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که

هریک از آنها شیعه را با بعدی از ابعاد بی‌کران شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام رهایی بخش و عدالت‌گستر آن حضرت آگاه می‌کند.

۲. روایات امام رضا علیه السلام پیرامون معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نکته قابل توجه این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حدود هفتاد سال قبل از ولادتش در کلام امام رضا علیه السلام به مردم معرفی شده است. این جنبه فرازمانی و فرامکانی منجی موعود در روایات متعددی از امام رضا علیه السلام و دیگر ائمه قبل ایشان ادراک می‌شود.

۲-۱. روایت اول

امام رضا علیه السلام در مورد معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «بعثنی بالحق بشیرا لیغیین القائم من ولدی بعهد معهود إلیه منی حتی یقول أكثر الناس: ما لله فی آل محمد حاحه و یشک آخرون فی ولادته. فمن أدرك زمانه فلیتمسک بدینه ولا یجعل للشیطان إلیه سبیلاً بشکّه فیزیله عن ملّتی و یخرجه عن دینی، فقد أخرج أبویکم من الجنّة من قبل، وإنّ الله عزوجل جعل الشیاطین أولیاء الذین لایؤمنون؛ سوگند به آن که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده برگزید [امام] قائم از فرزندان من براساس پیمانی که از جانب من برعهده اوست از دیده‌ها پنهان می‌شود تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: خدا نیازی به خاندان محمد ندارد و گروهی دیگر در ولادت او شک می‌کنند. پس هرکس زمان او را دریابد باید به دین او درآویزد و به واسطه شک خود برای شیطان راهی به سوی خود باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زائل و از دین من بیرون نکند. همچنان که پیش از این پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. به درستی که خداوند عزوجل، شیطان را سرپرست (ولی) کسانی که ایمان ندارند قرار داده است.» (صدوق، ۱۴۰۵، ۱/۵۱)

۲-۲. روایت دوم

آن حضرت در روایت دیگری درباره قرابت نسبی امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان می‌فرماید: «الخلف الصالح من ولد أبی محمد الحسن بن علی و هو صاحب الزمان و هو المهدی؛ آن جانشین صالح از

فرزندان ابومحمد حسن بن علی است و او صاحب الزمان و مهدی است». (مجلسی، ۱۳۸۶، ۴۳/۵)

۲-۳. روایت سوم

در روایت دیگری امام رضا علیه السلام پس از آنکه دعبل در پیشگاه آن حضرت قصیده معروف خود را در وصف اهل بیت علیهم السلام می خواند و در آن از قیام آخرین امام یاد می کند، می فرماید: «یا دعبل الإمام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبتة، المطاع فی ظهوره لولم یبق من الدنيا إلا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلك الیوم حتی یرج فیملء الأرض عدلاً کما ملئت جوراً؛ ای دعبل؛ امام پس از من فرزندانم محمد و پس از محمد فرزندش علی و پس از علی فرزندش حسن و پس از حسن فرزندش حجت قائم است. همو که در غیبتش انتظار کشیده می شود و در ظهورش اطاعت می گردد. اگر از (عمر) دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد خداوند عزوجل آن روز را آن قدر طولانی می کند تا او قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند همچنان که از جور و ستم پر شده بود». (عطاردی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۶)

۲-۴. روایت چهارم

امام رضا علیه السلام در پاسخ ابی صلت هروی که می پرسد: «ما علامات القائم منکم إذا خرج؛ نشانه های قائم شما به هنگام ظهور چیست؟» می فرماید: «علامته أن یکون شیخ السنّ، شاب المنظر، حتی أن الناظر الیه لیحسبه ابن أربعین سنة أو دونها وإن من علاماته أن لایهرم بمرور الأيام واللیالی، حتی یأتیته أجله؛ نشانه او این است که سن پیران و چهره جوانان دارد تا آنجا که وقتی کسی او را مشاهده می کند، گمان می برد که چهل سال یا کمتر سن دارد. به درستی که از نشانه های او این است که گذر شب و روز او را پیر و سالخورده نمی سازد تا زمانی که اجل او فرارسد» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۳۷۲).

۲-۵. روایت پنجم

در روایتی که حسین بن خالد آن را نقل می‌کند آن حضرت در پاسخ این پرسش که «یا ابن رسول الله و من القائم منکم اهل البيت؟؛ ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» می‌فرماید: «قال الرابع من ولدی ابن سیدة الإمام، يطهر الله به الأرض من كل جور و یقدسها من كل ظلم، [و هو] الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل خروجه. فإذا خرج أشرق الأرض بنوره [بنور ربّها] و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحد أحدا و هو الذی تطوی له الأرض ولا یكون له ظلّ و هو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه جمیع اهل الأرض بالدعاء إلیه یقول: ألا إنّ حجة الله قد ظهر عند بیت الله فاتّبعوا فإنّ الحقّ معه و فیه؛ چهارمین از فرزندان من فرزند سرور کنیزان، کسی است که خداوند به واسطه وی زمین را از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پیراسته می‌سازد و او کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند و او کسی است که پیش از خروجش غیبت می‌کند و آن گاه که خروج کند زمین به نورش [نور پروردگارش] روشن گردد و در میان مردم میزان عدالت را برقرار کند و هیچ کس به دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برای او در هم پیچیده می‌شود و سایه‌ای برای او نباشد و او کسی است که از آسمان نداکننده‌ای او را به نام ندا کند و به وی دعوت نماید به گونه‌ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند، می‌گوید: آگاه باشید که حجت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده است، پس او را پیروی کنید که حق با او و در اوست» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۳۷۲).

۲-۶. روایت ششم

آن حضرت در پاسخ ریان بن صلت که می‌پرسد: «أنت صاحب هذا الأمر؟ آیا صاحب این امر (حکومت اهل بیت علیهم السلام شماست؟)» می‌فرماید: «أنا صاحب هذا الأمر ولکنی لست بالذی أملؤها عدلاً کما ملئت جوراً و کیف أكون ذلک علی ماتری من ضعف بدنی و إنّ القائم هو الذی اذا خرج کان من سنّ الشیوخ و منظر الشبان قویاً فی بدنه حتّی لومدّ یده إلی أعظم شجرة علی وجه الأرض لقلعها ولو صاح بین الجبال لتدکدکت صخورها یكون معه عصا موسی و خاتم سلیمان علیهما السلام، ذاک الرابع من ولدی یغیبه الله فی ستره ما شاء، ثم یظهره فیملوء [به] الأرض قسطاً و عدلاً. کما

ملتت جورا و ظلما؛ من صاحب این امر هستم، اما آن که زمین را پر از عدل می‌کند همچنان که پر از جور شده بود، من نیستم و چگونه من با این ناتوانی جسمی که می‌بینی، می‌توانم او باشم. به درستی که قائم کسی است که به هنگام قیامش در سن پیرمردان و با چهره جوانان ظاهر می‌شود. او از چنان قوت بدنی برخوردار است که اگر دستش را به سمت بزرگ‌ترین درختی که بر روی زمین وجود دارد دراز کند آن را از ریشه برمی‌کند و اگر در بین کوه‌ها فریاد کشد صخره‌ها متلاشی می‌شوند. عصای موسی و خاتم سلیمان که بر آنها درود باد با اوست و او چهارمین فرزند من است. خداوند او را تا زمانی که بخواهد در پوشش خود غایب می‌سازد، سپس او را آشکار می‌سازد تا زمین را به وسیله او از قسط و عدل آکنده سازد آنچنان که پیش از آن از جور و ستم پر شده بود» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۳۷۶).

۲-۷. روایت هفتم

آن حضرت در پاسخ سلیمان بن جعفر الحمیری که می‌پرسد: «تخلو الأرض من حجة الله؟ آیا زمین از حجت خدا خالی می‌ماند؟» می‌فرماید: «لو خلت الأرض طرفة عين من حجة لساخت بأهلها؛ اگر زمین [به اندازه] یک چشم برهم زدن از حجت خالی بماند ساکنانش را در خود می‌برد». (صفار قمی، ۱۳۸۱، ص ۴۸۹)

۲-۸. روایت هشتم

در یکی از روایت‌هایی که امام رضا علیه السلام به واسطه پدران خود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند چنین آمده است: «أنا سيد من خلق الله عزوجل و أنا خير من جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و حملة العرش و جميع ملائكة الله المقربين و أنبياء الله المرسلين و أنا صاحب الشفاعة والحوض الشريف و أنا و عليّ أبوا هذه الأمة من عرفنا فقد عرف الله عزوجل و من أنكرنا فقد أنكر الله، عزوجل و من عليّ سبطا أمّتي و سيدا شباب أهل الجنة، الحسن والحسين و من ولد الحسين تسعة أئمة، طاعتهم طاعتي و معصيتهم معصيتي، تاسعهم قائمهم و مهدّيهم؛ من سرور آفریده‌های خدای عزوجل هستم. من از جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، حاملان عرش، همه فرشتگان مقرب خدا و

پیامبران مرسل خدا برترم. من صاحب شفاعت و حوض شریف کوثر هستم. من و علی دو پدر این امتیم. هرکس که ما را شناخت خدای عزوجل را شناخته است و هرکه ما را انکار کند خدای عزوجل را منکر شده است. دو سبط این امت و دو سید جوانان اهل بهشت، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام از فرزندان علی علیه السلام هستند و از نسل حسین علیه السلام ۹ امامند که پیروی از آنان پیروی از من و نافرمانی از آنها نافرمانی از من است. نهمین نفر از این امامان، قائم (برپادارنده) و مهدی آنان است.» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۲۶۱)

۳. روایات پیرامون غیبت و ظهور

امام رضا علیه السلام مانند دیگر اجدادش، موضوع غیبت آخرین حجت حق را پیش بینی و شیعیان را برای برخورد با این پدیده آماده کرده است. مسئله غیبت زمانی مورد توجه امام رضا علیه السلام قرار گرفت که هنوز پدران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد نشده بودند. این علم غیب ایشان بسیار قابل توجه است.

۳-۱. روایت اول

در یکی از روایاتی که حسن بن علی بن فضال از آن حضرت نقل کرده آمده است: «کأنتی بالشیعة عند فقدهم الثالث من ولدی کالنعیم یطلبون المرعی فلا یجدونه. قلت له: ولم ذاک یا ابن رسول الله؟ قال: لأنّ إمامهم یغیب عنهم، فقلت: ولم؟ قال: لئلاّ یكون لأحد فی عنقه بیعة إذا قام بالسیف؛ گویا شیعیان را می بینم که به هنگام فقدان سومین فرزند من مانند گوسفندانی که به دنبال چوپان خود می گردند، سرگردانند و او را نمی یابند. گفتم: چرا این گونه است ای پسر رسول خدا؟ فرمود: زیرا امامشان از آنها غایب شده است. پرسیدم: چرا؟ فرمود: برای اینکه به هنگام قیامش با شمشیر بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲/۴۸۰)

۳-۲. روایت دوم

آن حضرت در روایت دیگری به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بأبی ابن خیرة الإمام ابن النبیة الطیبة الفم، المنتجة الرحم و هو الطرید الشرید الموتور بأبیہ و جدّه، صاحب الغیبة یقال مات أوهلک، أئ واد سلک؛ پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان! فرزند آن کنیز اهل نوبه که دهانی

خوش بو و رحمی نیک‌نژاد دارد. او رانده شده (دورافتاده)، بی‌خانمان و کسی است که انتقام خون پدر و جدش گرفته نشده و صاحب غیبت است. گفته می‌شود: او مرده یا هلاک شده است در چه سرزمینی سیر می‌کند». (کلینی، ۱۳۹۹، ص ۳۲۳)

۳-۳. روایت سوم

امام رضا علیه السلام در روایتی خطاب به حسن بن جهم که از ایشان در مورد فرج می‌پرسد، می‌فرماید: «أولست تعلم أنَّ انتظار الفرج من الفرج؟ قلت: لا أدري إلاَّ أن تعلمني. فقال: نعم انتظار الفرج من الفرج؛ آیا می‌دانی که انتظار فرج جزئی از فرج است؟ گفتیم: نمی‌دانم، مگر اینکه شما به من بیاموزید. فرمود: آری انتظار فرج جزئی از فرج است». (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۶)

۳-۴. روایت چهارم

ایشان در روایت دیگری می‌فرماید: «ما أحسن الصبر و انتظار الفرج أما سمعت قول العبد الصالح: "و ارتقبوا إني معكم رقيب" (هود: ۹۳)، "وانظروا إني معكم من المنتظرين" (اعراف: ۷۱)، فعليكم بالصبر إنما يجيء الفرج على اليأس وقد كان الذين من قبلكم أصبر منكم؛ چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا سخن بنده صالح خدا یعنی، شعیب را نشنیدی که فرمود: "و انتظار برید که من هم با شما منتظرم" و "پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم". بر شما باد به صبر و بردباری؛ زیرا گشایش بعد از ناامیدی فرامی‌رسد و به تحقیق کسانی که پیش از شما بودند از شما بردبارتر بودند» (حمیری، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴).

۳-۵. روایت پنجم

امام رضا علیه السلام در روایتی، فضیلت انتظار را این‌گونه بیان می‌کند: «أما يرضى أحدكم أن يكون في بيته ينفق على عياله ينتظر أمرنا فإن أدركه كان كمن شهد مع رسول الله صلى الله عليه وآله بدرا وإن لم يدركه كان كمن كان مع قائمنا في فسطاطه؛ آیا هیچ‌یک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده‌اش را بپردازد و چشم‌به‌راه امر ما باشد، پس اگر در چنین حالی از دنیا برود مانند کسی است که به همراه رسول خدا صلى الله عليه وآله در نبرد بدر به شهادت رسیده است و اگر هم مرگ به سراغ او

نیاید مانند کسی است که به همراه قائم ما و در خیمه او باشد». (کلینی، ۱۳۹۹، ۴/۲۶۰) میان امام رضا علیه السلام و امام مهدی علیه السلام چنان پیوند قلبی وجود داشت که آن حضرت از سال‌های پیش از تولد نسل چهارم خود با بیان‌های متعدد و متفاوت او را دعا کرد و نصرت و یاریش را از خداوند طلب کرد. در یکی از این دعاها آمده است: «اللَّهُمَّ أَصْلَحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ وَ رَسُلَكَ وَ حَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أُيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبدُكَ لَا يَشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وَلِيِّكَ سُلْطَانًا وَائِثْنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ خداوند! امور بنده و جانشینت را اصلاح کن، آنچنان‌که امور پیامبران و رسولانت را اصلاح کردی. او را با فرشتگانت دربرگیر و با روح القدس از جانب خودت یاری کن، در پشت سر و پیش روی نگهبانانی قرار ده که او را از بدی درامان دارند. بیم و نگرانی او را تبدیل به امنیت و آرامش کن تا فقط تو را بپرستد و کسی را برای تو شریک نگیرد. هیچ‌یک از آفریدگانت را بر ولی خود مسلط مساز. اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ زیرا تو بر همه چیز توانایی» (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۶).

۴. نتیجه‌گیری

آموزه‌های مهدویت بخشی از معارف امامت است. امامان معصوم همگی با این هدف همراه بودند که زمینه را برای غیبت و امام غائب فراهم کنند. غیبت، امتحان سنگینی برای شیعه بوده است. باور به امامی که از آغاز پنهان بوده، ولی همواره در حال جهاد و انجام مسئولیت‌های امامت است. امامی که عموم مردم حتی تولدش را باور ندارند و اسمی از او در تاریخ ثبت نکرده‌اند. امامی که حتی زنان آثار حمل او را بر مادرش ندیده و کودکی و رشدش را شاهد نبوده‌اند. اگر شیعه زمینه‌سازی‌های بسیار امامان را با خود نداشت، نمی‌توانست از چنین امتحان سنگینی سربلند بیرون آید. امام رضا علیه السلام در عصری رهبری را برعهده گرفت که جامعه شیعی گسترش کمی و جغرافیایی یافت، ولی هنوز آمادگی برای درک جایگاه امام نداشت و ناتوان‌تر از آن بود که بر فتنه‌ها و تردیدهای دوره غیبت فائق آید. همچنین اگرچه سازمان وکالت، سازمان یافته و پیچیده عمل

می‌کرد، ولی برای برخورد با فتنه‌هایی که از درون وکلا برمی‌خاست آمادگی نداشت. آموزه‌های مهدوی در کلام امام رضا علیه السلام متناسب با نیاز جامعه شیعی تنظیم شد. گذشته از علم امام به آینده، انحرافات مانده وقف قابل پیش‌بینی بود. محدودیت شدید امام و حبس او از سویی و گسترش جامعه شیعی و افزایش درآمدهای وکلا از سوی دیگر زمینه مناسبی برای فساد و انحراف فراهم می‌کند. روایات این عصر حکایت از توجه به این مشکل دارد و دلیل تأکید بر علائمی از امام زمان که با ادعای واقفه ناسازگاری دارد این‌گونه قابل فهم است. در پژوهش حاضر روایات امام رضا علیه السلام درباره معرفی شخصیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شرایط ظهور و فرج در عصر غیبت مبتنی بر کتب‌دست اول و موثق شیعه مورد توجه قرار گرفت. در این روایات نسبت فرزندی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با امام رضا علیه السلام خصوصیات ظاهری ایشان ضرورت وجودی ایشان و وضعیت غیبت و ظهور ایشان به شیعیان ارائه شد.

فهرست منابع

- * قرآن الکریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- ۱. ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۳۸۷). الغیبه. مترجم: عزیزی، مجتبی. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۲. الحمیری، عبدالله بن جعفر (۱۳۷۱). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۳. صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۸۲-۱۴۰۵). کمال الدین و تمام النعمه. مترجم: پهلوان، منصور. قم: مسجد مقدس جمکران.
- ۴. الصفار القمی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن فروخ (۱۳۸۱). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام. قم: المکتبه الحیدریه.
- ۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۳۷۰). مصباح المتبهجد و سلاح المتعبد. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- ۶. عطاردی قوچانی، عزیزالله (۱۴۱۳). مسند الامام الرضا علیه السلام. بیروت: دارالفقه.
- ۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۹). ترجمه اصول کافی. مترجم: به‌نژاد، عباس. تهران: انتشارات آرایه.
- ۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۸۶). بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.